

نقل و تحلیل اسباب نزول در تفسیر آلوسی

علی غزنوی

سیمای روح المعانی

تفسیر روح المعانی، از تفسیرهای مهم و عمده اهل سنت است که به وسیله ابی الفضل شهاب الدین محمود آلوسی بغدادی (تولد: ۱۲۱۷ هـ وفات: ۱۲۷۰ هـ) نگاشته شده است. این تفسیر که در ۳۰ جزء و ۱۵ مجلد تدوین شده، دارای گرایشهای فلسفی، کلامی، ادبی و فقهی است.

محمد حسین ذهبی درباره چگونگی تألیف و وجه نامگذاری آن، می نویسد:

(... روش ایشان در چگونگی تدوین این تفسیر، شگفت آور است. ایشان روزها مشغول فتوا دادن و تدریس بوده و اوایل شب، جلسات مفید داشته و فرصت برای نوشتن تفسیر نداشته است و این کار را در اواخر شب انجام داده، ورقهای نوشته شده را به منشیهای خود سپرده و آنان به مدت ده ساعت آن را پاکنویس می کرده اند.

در سال ۱۲۶۷ هـ هنگامی که نگارش تفسیر روح المعانی به پایان رسید، مرحوم آلوسی به این فکر افتاد که نامی برای تفسیرش برگزیند.

این موضوع را با علی رضا پاشا، وزیر الوزراء سلطان محمود خان بن سلطان عبدالحمیدخان در میان گذاشت. وی این تفسیر را بدون تأمل (روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی) نام نهاد). ۱

علوم مورد نیاز در تفسیر قرآن از دیدگاه آلوسی

علامه آلوسی پیش از شروع به تفسیر، مقدمه ای طولانی در زمینه مطالب ضروری و مورد نیاز در تفسیر قرآن کریم، بیان می کند. در این مقدمه، انگیزه نوشتن تفسیر را یادآور شده و سپس تحت عنوان (فوائد) در باره تفسیر و تأویل، نیاز به تفسیر، شرافت علم تفسیر و علمی که در تفسیر به آنها نیاز است، سخن به میان آورده است.

علوم ضروری در تفسیر قرآن از نظر آلوسی، چنین است:

۱. علم لغت ۲. علم نحو ۳. علم معانی، بیان و بدیع ۴. علم حدیث ۵. علم اصول فقه ۶. علم کلام ۷. علم قراءت.

آلوسی در پایان این بحث، با نگاهی به گفتار سیوطی به نقد آن پرداخته، می نویسد:

(... سیوطی علم (تصریف) و علم (اشتقاق) را از جمله علوم ضروری در تفسیر قرآن به شمار آورده است، ولی باور من این است که آنچه ما یاد کردیم کافی است و نیازی به این دو علم نیست. سیوطی علم فقه را نیز از جمله این علوم دانسته است، در حالی که جز او کسی این علم را یادآور نشده است.

سیوطی از علم دیگری نیز یاد کرده و آن، (علم موهبتی) است [علمی که خداوند به انسان عنایت می‌کند] ولی این علم اولاً قابل کسب نیست و بر فرض اکتسابی بودن آن، فهم و شناخت معانی قرآن کریم وابسته به چنین علمی نیست. بلی فهم اسرار قرآن ممکن است در پرتو این علم موهب تی میسر گردد. ۲

روش تفسیری روح المعانی

در این که تفسیر روح المعانی، روش تفسیر به رأی، یا روش ارشادی و راهنمایی به پیام و مفاهیم قرآن را در پیش گرفته، انظار متفاوتی ابراز شده است.. برخی معتقدند:

(تفسیر روح المعانی، تألیف علامه شهاب الدین آلوسی بغدادی، بزرگترین تفسیری است که در این زمینه تألیف گردیده و مؤلف آن، با نظم خاصی میان آنچه که از طریق عبارت و آنچه که از طریق اشاره از آیات قرآنی مفهوم می‌گردد، جمع کرده است... ۳) از سوی دیگر محمد حسین ذهبی، روح المعانی را جزء تفاسیر به رأی می‌شمارد و در این زمینه می‌نویسد:

(...از آن جا که آلوسی همیشه بعد از بیان آنچه که مربوط به ظاهر آیات قرآن است، به بیان (تفسیر ارشادی) می‌پردازد، بعضی از علمای تفسیر، چونان تفسیر نیشابوری، روح المعانی را جزء تفاسیر ارشادی قرار داده‌اند، ولی من معتقدم که باید این دو تفسیر را در شمار تفاسیر به رأی محمود قرار دهیم، زیرا مقصود عمده این دو تفسیر، تفسیر ارشادی نیست... تفسیر روح المعانی از مهم ترین تفاسیر به رأی جایز است... ۴)

تفسیر به رأی از دیدگاه آلوسی

آلوسی در مورد تفسیر قرآن کریم، معتقد به اجتهاد و تدبیر در آیات قرآن کریم است و روایاتی را که از تفسیر به رأی منع می‌کنند، مورد تحلیل و توجیه قرار می‌دهد. وی در مقدمه تفسیر خود پس از بیان علوم ضروری در تفسیر قرآن کریم، به بحث تفسیر به رأی می‌پردازد و چنین می‌نویسد:

(در مورد (تفسیر به رأی) آنچه که معروف و مشهور است، منع از آن است. برای این موضوع به چند حدیث تمسک جسته‌اند:

ابی داود، ترمذی و نسائی از پیامبر(ص) نقل کرده‌اند که حضرت فرمود: (کسی که با رأی خود در باره قرآن سخن بگوید، در صورتی که به واقع برسد، باز هم خطا کرده است.)

در روایت دیگر از قول ابی داود آمده است:

(کسی که بدون علم در باره قرآن سخن بگوید، جایگاه او پُر از آتش خواهد شد.)

پس از نقل این دو حدیث، می‌نویسد:

(... دلیل درخور اعتمادی وجود ندارد که تفسیر به رأی را منع کند، زیرا اولاً: در صحت حدیث اول، جای تردید است، چه این که (مدخل) نسبت به صحت آن، تأمل کرده است و در صورتی که این روایت از جهت سند صحیح به شمار آید، مراد از خطا، خطای در مسیر است، زیرا راه مراجعه به الفاظ قرآن، بهره گیری از اهل لغت است و در ناسخ و منسوخ، راه مراجعه، اخبار است و در بیان مراد، باید به شرع روی آورد و در صورتی که هیچ یک از این راهها ممکن نباشد، استفاده از فکر و اندیشه مانعی ندارد. علاوه بر این، ممکن است مقصود روایت از تفسیر به رأی، تفسیر بر اساس هوای نفس باشد، به این شکل که مفسر، مذهب و عقیده خود را اصل مس‌لم قرار دهد و قرآن را تابع آن به شمار آورد و تفسیر کند. چنین شیوه ای اگر به نظریه صحیحی هم منتهی شود، باز هم خود روش، غلط و خطاست.

سومین بیان این است که منظور از تفسیر به رأی، نسبت بدون دلیل مطالب به خداوند باشد.)

اما در مورد حدیث دوم، چنین ابراز می دارد:

(این حدیث دو معنا دارد:

۱. کسی که در باره آیات مشکل قرآن سخنی بگوید که نمی داند، گرفتار غضب خداوند خواهد شد.
۲. کسی که در باره قرآن سخنی بگوید، در حالی که می داند حق غیر از آن است، به کیفر الهی گرفتار خواهد شد.

به هر حال، دلایل جواز به کارگیری رأی و اجتهاد در فهم قرآن کریم فراوان است. این دلایل قرآنی، با احادیث منع معارضه می کند... ۵)

آنچه از این گفتار به دست می آید، این است که: آلوسی یکی از راههای تبیین و تفسیر قرآن را، رأی و اجتهاد می داند. وی معتقد است که اعجاز قرآن با وجدان قابل درک است نه با تقلید.

به هر حال، آلوسی کار تفسیر را یکسره به رأی و اجتهاد شخصی وانهاد است، بلکه راههای بسیاری را در جهت تبیین و تفسیر قرآن بر شمرده که استفاده از رأی، آخرین آنها قلمداد شده است.

براین اساس، تفسیر او را نمی توان صرفاً تفسیر به رأی دانست.

روش ترتیب مطالب در تفسیر روح المعانی

ترتیبی که آلوسی در تفسیر خود در پیش گرفته است، از این قرار است:

۱. وجه تسمیه سوره و بیان نامهای دیگر سوره.

۲. فضیلت سوره.

۳. مکی و یا مدنی بودن سوره (محل نزول سوره).

۴. تعداد آیات.

۵. ارتباط و مناسبت سوره با سوره قبل.

۶. اشاره به محل نزول برخی آیات.

۷. بیان نسخ و عدم نسخ آیات مورد بحث.

۸. طرح آیه مورد تفسیر.
۹. بحث ادبی.
۱۰. بحث لغوی.
۱۱. نقل اسباب نزول.
۱۲. تفسیر آیه با آیات دیگر.
۱۳. برداشتهای عرفانی از چند آیه تحت عنوان، (الكلام من باب الاشارة). در این قسمت، بیشتر مباحث کلامی و عرفانی مورد بحث قرار می گیرد.
۱۴. بحث موضوعی به مناسبت آیات.

جایگاه اسباب نزول در تفسیر روح المعانی

آلوسی برای اسباب نزول، اعتبار ویژه ای قائل است و برای آن جایگاه خاصی در نظر گرفته است. وی در مقدمه تفسیر خود، یکی از علوم ضروری برای تفسیر قرآن کریم را (علم الحدیث) شمرده و معتقد است: تنها در پرتو این علم می توان به اسباب نزول دست یافت.

محسن عبد الحمید در این زمینه نوشته است:

(... آلوسی از اسباب نزول در تفسیر قرآن کریم استفاده بسیار خوبی کرده است. در این تفسیر، تحقیق علمی زیاد وجود دارد و نظریاتی برگزیده شده که مناسب با جوّ عمومی قرآن کریم است.)
در تفسیر خود، ذیل این آیه مبارکه: (ان الله لا یستحیی ان یضرب مثلاً ما بعوضه فما فوقها...) (بقره / ۲۶) می نویسد:

(از ابن عباس نقل کرده اند: این آیه در باره یهود نازل شده است. هنگامی که خداوند به عنکبوت و مگس مثال می زد، منافقان گفتند: خداوند برتر و بالاتر از این است که چنین مثالهایی بزند، در این موقع آیه نازل شد و به آنان پاسخ گفت...) ۶

استفاده آلوسی از اسباب نزول در تفسیر آیه

آلوسی در تفسیر و فهم آیات از اسباب نزول استفاده کرده است. وی منشأ اختلاف در برداشت از آیات را، اختلاف در سبب نزول می داند، چنانکه این مطلب را ذیل این آیه مبارکه بیان داشته است:

* (الذین ینقضون عهد الله من بعد میثاقه...) بقره / ۲۷

(در این که مراد از نقض عهد چیست، چند وجه را بیان کرده اند:

... مراد از عهد در این آیه، یا عهدی است که به واسطه عقل گرفته شده و خداوند عقل را برای بندگانش حجت قرار داده است... یا مراد از عهد، فرستادن رسولان برای امتها و فروفرستادن کتابها برای آنان است و نقض کنندگان آن کفار و منافقان خواهند بود.
و گفته شده که مراد از عهد، امانتی است که انسان آن را حمل کرد بعد از آن که آسمانها و زمین از حمل آن امتناع ورزیدند.

و نیز گفته شده که مراد از عهد، عهدی است که از بنی اسرائیل گرفته شده تا خون یکدیگر را نریزند و یکدیگر را از خانه هایشان بیرون نرانند...)

آلوسی پس از بیان وجوه تفسیری، چنین می نویسد:

(... منشأ این اختلافات، اختلاف در سبب نزول است...)

محسن عبدالحمید در این زمینه می نویسد:

(... آلوسی، آیات قرآن کریم را با سبب نزولی که به نظر او صحیح می آید، تفسیر می کند، چنانکه ذیل آیه مبارکه (وکلوا واشربوا و لاتسرفوا...) (اعراف / ۳۱) در تفسیر آیه می نویسد:

کلبی گفته است: اهل جاهلیت در ایام حج، غذای کافی نمی خوردند و از روغن استفاده نمی کردند. مسلمانان به پیامبر (ص) گفتند: ما مسلمانان سزاوارتر به این کاریم، خداوند این آیه را نازل فرمود.

آلوسی در پایان می نویسد:

(... و لا تسرفوا؛ یعنی حلال خدا را بر خود حرام نکنید، چنانکه این معنی مناسب با شأن نزول این آیه است...)

* (و ان تصبهم حسنة يقولوا هذه من عندالله وان تصبهم سيئة يقولوا هذه من عندك) نساء / ۷۸
در تفسیر این آیه، با استفاده از سبب نزول می نویسد:

(... از حسن و ابن زید روایت شده: این آیه در باره یهود نازل شده و علت نزول این است که خداوند برای یهود، نعمت فراوان داده بود. هنگامی که پیامبر(ص) وارد مدینه شد، آنان را دعوت به ایمان کرد، ولی آنان کفر ورزیدند. خداوند ارزاقشان را کم کرد، یهودیان گفتند: هیچ گاه در درختان و مزارع ما چنین نقصی و آفتی دیده نشده بود، از وقتی که این مرد [پیامبر (ص)] به این جا آمد، نعمتها از ما گرفته شد...)

نیز گفته اند که این آیه در باره سرباززندگان از جنگ احد (عبدالله ابی و یارانش) نازل شده است. صحیح این است که این آیه در باره یهود و منافقان هر دو نازل گردیده است. آنان در باره پیامبر(ص) فال بد می زدند، که آمدن پیامبر(ص) قحطی و گرسنگی را برای آنان آورده است. بر این اساس، مراد از حسنه و سیئه در این آیه، نعمت و بلیه است، همان گونه که استعمال آن در طاعت و معصیت نیز شایع است...)

روش آلوسی در نقل روایات اسباب نزول

آلوسی نسبت به نقل روایات، چه در تفسیر آیات و چه در مورد اسباب نزول، اهتمام فراوان دارد و روایات را می آورد و پس از تجزیه و تحلیل، روایتی را که از نظر صحت سند و قوت دلالت، محکم و استوار باشد، برمی گزیند. برخی نویسندگان بر این باورند:

(آلوسی تمام روایات را در تفسیر آیات گرد آوری کرده است و آن جا که این احادیث با هم تعارض داشته باشند، درباره آن احادیث، از جهت قوت و ضعف، بحث می کند...)

قاعده کلی که آلوسی طبق آن در تفسیر خود سیر می کند، این است که هر گاه حدیثی در نظرش صحیح آید، بر آن تأکید کرده، روایات دیگر را رد می کند. بنابراین، وی در شناسایی احادیث صحیح، سعی وافر دارد تا بتواند در تفسیر آیات به آن استناد جوید.

وی در مرحله بعد به احادیثی که دیگران به آنها استناد کرده اند، می پردازد و آنها را از جهت اضطراب در سند و یا از لحاظ دلالت مورد نقد و بررسی قرار می دهد و اثبات می کند که دلالت بر آن رأی و نظر ندارد. ۱۰
همو در جای دیگر می آورد:

(... آلوسی از میان روایات اسباب نزول روایت معینی را انتخاب و روایات دیگر را رد می کند، چنانکه ذیل این آیه مبارکه: (فویل للذین یکتبون الکتاب بایدیهم...) (بقره / ۷۹) انجام داده است وی در شأن نزول این آیه گفته است: این آیه در باره احبار یهود نازل شده است، چه این که آنان بیم داشتند که اگر صفات یاد شده در تورات برای پیامبر (ص) همچنان در تورات باقی بماند، مردم به حقانیت پیامبر پی برده و به وی ایمان آورند و در نتیجه، ریاست احبار از بین برود. از این روی، در تورات دست بردند و صفات یاد شده برای پیامبر خاتم را دگرگون ساختند.

اما آن نظر که می گوید این آیه در باره کسانی است که به پیامبر ایمان نمی آوردند و از هیچ کتابی پیروی نمی کردند، بلکه خودشان کتاب می نوشتند و حلال و حرام را برابر میل و دلخواه خودشان قرار می دادند و نیز این سخن که آیه در باره (عبداللّه بن سرح) کاتب پیامبر (ص) (که قرآن را تغییر می داد و به ارتداد کشانده شد) نازل شده باشد، هیچ کدام نمی تواند صحیح باشد. ۱۱
آلوسی در بیان روایات اسباب نزول سعی دارد آنها را از قلم نیندازد و چه بسا در شأن نزول یک آیه، چندین روایت را نقل می کند.

به عنوان نمونه آلوسی در شأن نزول این آیه کریمه: (و من الناس من یشری نفسه ابتغاء مرضات الله...) (بقره / ۲۰۷) می نویسد:

(این آیه در باره صهیب رومی نازل شده است، هنگامی که وی از مکه به مدینه هجرت کرد. و نیز نقل شده که این آیه در باره زبیر و مقداد نازل شده است، هنگامی که این دو نفر، استعدادشان را در پایین آوردن پارچه ای که اهل مکه بر شاخه درخت آویزان کرده بودند، نشان دادند. و نیز از امامیه و بعضی حنفیهها نقل شده است که این آیه در باره علی (ع) نازل شده، هنگامی که حضرت علی در بستر پیامبر (ص) خوابیده بود. ۱۲
این روش در جای جای تفسیر روح المعانی به چشم می خورد.

روش آلوسی در نقل و نقد روایات اسباب نزول

۱. سند شناسی: یکی از ملاکهای آلوسی در نقد روایات و ضعیف شمردن آنها، نبود حدیث در کتابهای معتبر حدیثی و تفسیری است:

* (قل أتحاؤونا فی الله و هو ربنا و ربکم و لنا اعمالنا و لکم اعمالکم و نحن له مخلصون) بقره /

آلوسی در بیان سبب نزول آیه می نویسد:

(روایت شده است که اهل کتاب به پیامبر(ص) گفتند: تمام پیامبران، از قوم ما هستند و اگر برآستی شما پیامبر بودی، می بایست از میان ما برانگیخته می شدی.

نظیر این روایت برای مشرکان عرب نیز یاد شده است، ولی تطبیق آیه بر مشرکان دشوار است، زیرا مشرکان عرب، اگر چه در امر دین با پیامبر (ص) محاجّه می کردند، ولی به اندازه اهل کتاب مهارت نداشتند، چه این که سواد نداشتند و روش مناظره را نمی شناختند.

آنچه که در سبب نزول این آیه، روایت شده، در هیچ یک از کتابهای حدیث و تفاسیر معتبر نیامده است، چنانکه در این مورد سیوطی تصریح کرده است... ۱۳)

در برخی موارد، روایاتی را که مفسران دیگر پذیرفته اند، آلوسی پذیرفته و به عنوان اسباب نزول یاد کرده است.

وی در ذیل آیه مبارکه: (ولاتنکحوا المشركات...) (بقره / ۲۲۱) می نویسد:

(سبب نزول این آیه مبارکه، مرثدبن ابی مرثد است. وی تصمیم گرفت که با زنی مشرک از اهل مکه، که در دوران جاهلیت معشوقه او، بود ازدواج کند. این آیه در باره او نازل شد و او را از این کار منع کرد.

و گفته شده که سیوطی، این موضوع را سبب نزول آیه نمی داند. ایشان آیه (الزانی لاینکح الا زانیة...) (نور / ۳) را برای این موضوع ذکر می کند... ۱۴)

۲. اهتمام به روایات مشهور و کنار نهادن روایات دیگر: آلوسی روایات زیادی را درباره اسباب نزول نقل می کند، ولی از میان آنها، روایتی را مورد تأیید قرار می دهد که از شهرت برخوردار باشد.

* (و منهم من عاهد الله لئن آتانا من فضله... توبه / ۷۵)

آلوسی در ذیل این آیه، روایت مفصلی از عامه و خاصه نقل کرده که آیه در باره (ثعلبه بن حاطب) نازل شده است. او مرد فقیری بود و مرتب به مسجد پیامبر می آمد و اصرار داشت که پیامبر(ص) دعا کند تا خداوند مال فراوانی به او بدهد. پیامبر(ص) به او فرمود: آیا بهتر نیست که تو به پیامبر خدا تاسی کنی و با زندگی ساده بسازی!

ثعلبه دست بردار نبود و باز هم اصرار می ورزید، تا این که به پیامبر(ص) عرض کرد: به خدایی که تورا به حق فرستاده، سوگند یاد می کنم، اگر خداوند ثروتی به من عنایت کند، تمام حقوق آن را می پردازم.

پیامبر (ص) برای او دعا کرد. چیزی نگذشت که وی ثروتمند گردید. پس از مدتی، پیامبر (ص) مامور جمع آوری زکات را نزد او فرستاد. این مرد از پرداخت زکات خودداری کرد... و در باره او آیات فوق نازل شد.

سپس آلوسی روایت دیگری را نقل می کند که این آیات در باره حاطب بن ابی بلتعنه نازل شده است.

در پایان، روایت اول را ترجیح می دهد و می گوید:

(روایت اول، صحیح و مشهور است... ۱۵)

* (وان من اهل الكتاب لمن يؤمن بالله و ما انزل اليكم و ما انزل اليهم خاشعين لله لا يشتركون بآيات الله ثمناً قليلاً...) آل عمران / ۱۹۹

(ابن جریر از جابر نقل کرده است هنگامی که نجاشی از دنیا رفت، پیامبر (ص) به مردم دستور داد، تا بر او نماز بخوانند. پس از انجام این عمل، منافقان گفتند: محمد بریک نصرانی که هرگز او را ندیده است، نماز می خواند. پس این آیه نازل شد...)

قتاده و عطاء نقل کرده اند: این آیه درباره چهل نفر از اهل نجران، از طایفه بنی حرث بن کعب، که همه مسیحی بودند و به پیامبر (ص) ایمان آوردند، نازل شده است.

ابن اسحاق گفته است: این آیه درباره جمعی از یهودیان، از جمله عبدالله بن سلام و همراهان او، که اسلام را اختیار کردند، نازل شده است.

مجاهد گفته است: این آیه در باره تمام مؤمنان اهل کتاب نازل شده است.

مشهورتر از همه، این روایت است که آیه در باره نجاشی نازل شده است. (۱۶)

۳. توجه آلوسی به درستی سند در نقد و نقل: آلوسی در نقل روایات اسباب نزول، توجه جدی به درستی سند روایات اسباب نزول دارد:

* (واذا لقوا الذين آمنوا قالوا آمنا و اذا خلوا الى شياطينهم قالوا انا معكم...) بقره / ۱۴

آلوسی ذیل این آیه مبارکه، شأن نزولی را که زمخشری و بیضاوی نقل کرده اند، مورد انتقاد قرار می دهد و از نظر سند به این سبب نزول خدشه وارد می آورد. شأن نزول از این قرار است:

(عبدالله بن ابی، همراه یارانش در مسیر، با چند تن از صحابه پیامبر (ص) روبه رو شد. عبد الله بن ابی به یاران خود گفت: نگاه کنید! این نادانها از شما حساب می برند!

هنگامی که نزدیک آنان رسیدند، دست ابابکر را گرفته، از روی چاپلوسی گفت: آفرین بر صدیق سید بنی تمیم و شیخ الاسلام و دوم پیامبر (ص) در غار، که مال و جان خود را در راه پیامبر (ص) بخشیده است.

سپس دست عمر را گرفت و گفت: آفرین بر سید بنی عدی، فاروق قوی در دین خدا، که مال و جان خود را برای پیامبر (ص) بذل کرده است.

پس از آن دست علی (ع) را گرفت و گفت: آفرین بر پسر عم و داماد پیامبر (ص)، سید بنی هاشم بعد از پیامبر (ص).

سپس متفرق شدند. عبدالله ابی به اصحاب خود گفت: دیدید که چگونه با آنان برخورد کردم! اصحاب کار او را ستایش کردند، و این آیه نازل شد. (۱۷)

آلوسی ذیل آیه چنین می نویسد:

نزد من هیچ سبب نزولی برای این آیه صحیح نیست. آنچه زمخشری و بیضاوی نقل کرده اند، از طریق سدی صغیر است و وی مردی دروغگوست، و این سلسله، سلسله کذب است، نه سلسله الذهب. ۱۸)

۴. نقل برخی اسباب نزول بدون ذکر سند: آلوسی در بیشتر موارد، اسباب نزول را به صورت مستند بیان کرده، ولی در مواردی چند، سند را فروهشته است:

* (و من یتبع غیر الاسلام دیناً فلن یقبل منه...) آل عمران / ۸۵

ذیل این آیه مبارکه بدون ذکر سند، می نویسد:

(این آیه در باره گروهی نازل شده است که دوازده نفر بودند. در میان آنان (حرث بن سواد) حضور داشت. آنان مرتد شدند و از مدینه به مکه باز گشتند...) ۱۹

* (ما ننسخ من آیه او ننسها...) بقره / ۱۰۶

(این آیه در باره مشرکان و یا یهود نازل شده است. آنان پیامبر (ص) را استهزا می کردند و می گفتند:

محمد (ص) اصحابش را به چیزی دستور می دهد، ولی دوباره از آن نهی می کند. امروز چیزی می گوید، فردا خلاف آن را بیان می دارد و قرآن، کلام غیر محمد نیست.) ۲۰

عموم نص و خصوصیت سبب از دیدگاه آلوسی

آلوسی در مورد کار برد اسباب نزول معتقد است که اسباب نزول مانع از عمومیت آیه نمی شود:

* (و من اظلم ممّن منع مساجد الله ان یذکر فیها اسمہ...) بقره / ۱۱۴

در مورد سبب نزول این آیه چنین بیان می کند:

(این آیه در باره (طیطوس بن اسیانوس) رومی و یاران وی نازل شده است. آنان با بنی اسرائیل جنگیدند، مردان جنگی آنان را کشتند، فرزندانشان را اسیر کردند، تورات را آتش زدند، بیت المقدس را خراب و بدان بی حرمتی کردند و خوکهها را در آن ذبح کردند. این خرابیها تا زمان عمر باقی بود، تا این که به دست مسلمانان، بازسازی گردید.

و نیز عطاء از ابن عباس نقل کرده است که این آیه درباره مشرکان عرب نازل شد. آنان، مسلمانان را از عبادت در مسجد الحرام مانع می شدند.

... ظاهر آیه عام است، هر منع کننده از مساجد و هر مسجد را شامل می شود و خصوص سبب،

مانع از عمومیت آیه نیست...) ۲۱

* (ان الذین یکتُمون ما انزلنا من البینات...) بقره / ۱۵۹

(جماعتی از ابن عباس نقل کرده اند: چند نفر از مسلمانان، مانند: معاذبن جبل، سعدبن معاذ و خارجه بن زید، سؤالاتی از دانشمندان یهود، در باره مطالبی از تورات کردند. آنان از توضیح مطالب خودداری کرده و آن را پنهان داشتند. خداوند این آیه را در باره آنان نازل فرمود.

و از قتاده نقل شده که این آیه درباره کتمان کنندگان یهود و نصاری نازل شده است.

و گفته شده که این آیه در باره تمام کنندگان احکام دین نازل گشته است. نزدیکتر به واقع این است که آیه در باره یهود نازل شده است، ولی بر اساس روایاتی که در این زمینه وجود دارد، این آیه یک حکم کلی و عمومی را بیان می کند و شأن نزول آن در باره یهود، موجب اختصاص یافتن آیه به ایشان نیست، زیرا اعتبار برای عموم لفظ است، نه خصوص سبب (۲۲).

تقطیع آیه با اسباب نزول

یکی از روشهای آلوسی این است که یک آیه را جدا جدا و تقطیع شده بیان می کند، به شکلی که خواننده گمان می کند آیه در چند مرحله نازل شده است:

* (واللائئ یئسن من المحیض من نسائکم ان ارتبتم فعدتھن ثلاثہ اشھر) طلاق / ۴

ذیل این آیه مبارکه چنین می نویسد:

(حاکم و بیهقی و جماعت دیگری از ابی بن کعب نقل کرده اند: جمعی از مردم مدینه، هنگامی که آیه ای در سوره بقره، درباره عده زنان، نازل شد، گفتند: حکم عده سه طایفه از زنان: دختران کوچک، زنانی که حیض نمی بینند و زنان باردار، بیان نشده است. خداوند در سوره نساء آیه (والئئ یئسن...) را نازل کرد.

در روایت آمده است: گروهی که از جمله آنان، ابی بن کعب و خلاد بن نعمان بودند، هنگام استماع آیه: (والمطلقات یتربصن بانفسھن ثلاثہ قروء) (بقره / ۲۲۸) گفتند: یا رسول اللہ زنانی که بواسطه خردسالی و یا پیری عادت نمی شوند، حکمشان چیست؟ این آیه نازل شد (و التئ یئسن...)

سپس سؤال کننده در باره عده زنان باردار پرسش کرد، این آیه نازل شد، (واولات الأحمال...): ۲۳ * (و اذا ضربتم فی الارض فلیس علیکم جناح ان تقصروا من الصلاۃ ان خفتم ان یفتنکم الذین کفروا ان الکافرین کانوا لکم عدواً مبیناً) نساء / ۱۰۱ در سبب نزول این آیه می نویسد:

(ابن جریر از علی (ع) نقل کرده است: گروهی تجارت پیشه از پیامبر (ص) سؤال کردند: ای رسول خدا! در حال مسافرت چگونه نماز بخوانیم؟ خداوند این آیه را نازل کرد: (و اذا ضربتم فی الارض...)) پس از آن، وحی قطع شد. یک سال گذشت. هنگامی که پیامبر (ص) در یکی از جنگها، نماز ظهر را به جا آورد، مشرکان با یکدیگر گفتند: پیامبر و یاران او، [هنگام اقامه نماز] فرصت مناسبی برای حمله از پشت سر، برای شما پدید آورده بودند. چرا بر آنان هجوم نبردید. یکی از مشرکان گفت: هنوز فرصت از دست نرفته و آنان بازهم نماز خواهند گزارد. خداوند در بین دو نماز (ظهر و عصر) این آیه را نازل کرد: (وان خفتم ان یفتنکم الذین کفروا...): ۲۴.

نقل اجمالی اسباب نزول

آلوسی روایات اسباب نزول را به صورت تفصیلی نقل می کند، ولی در پاره ای موارد به صورت کلی و اجمالی از آن می گذرد:

* (قل يا اهل الكتاب تعالوا الى كلمة سواء بيننا و بينكم...) آل عمران / ۶۴

درباره سبب نزول این آیه می نویسد:

(سدی گفته است: این آیه در باره نمایندگان نصاری نجران نازل شده است.

قتاده، ربیع و ابن جریر نقل کرده اند: این آیه در باره یهود مدینه نازل شده است.

ابی علی جبائی گفته است: این آیه در باره هر دو طایفه یهود و نصاری نازل شده است... ۲۵)
* (افمن وعدناه وعداً حسناً فهو لاقیه کمن متّعناه متاع الحیوة الدنیا ثمّ هو یوم القیامة من
المحضّین) قصص / ۶۱

درمورد سبب نزول این آیه می نویسد:

(بنابر آنچه ابن جریر از مجاهد نقل کرده است: این آیه در باره رسول خدا (ص) و ابی جهل نازل
شده است. به طریق دیگر از مجاهد نقل شده که این آیه درباره حمزه و ابی جهل نازل گشته
است... ۲۶)

نقد و تحلیل اسباب نزول در تفسیر آلوسی

آلوسی در بسیاری از موارد به تحلیل و بررسی سبب نزول پرداخته و در تحلیل اسباب نزول، معمولاً
از تاریخ، مفهوم و سیاق آیات استفاده کرده است.

نقد اسباب نزول با تاریخ

* (یا ایها الذین آمنوا لاتقربوا الصلوة و أنتم سکاری حتی تعلموا ما تقولون و لاجنباً الاعابری سبیل
حتى تغتسلوا و ان کنتم مرضی او علی سفر...) نساء / ۴۳

(... ابن جریر از ابراهیم نخعی نقل کرده است: به یاران پیامبر (ص) جراحی رسید، سستی بر آنان
عارض گردید و دچار جنابت شدند. از این مسأله به پیامبر(ص) شکایت کردند، پس آیه: (وان کنتم
مرضی او علی سفر...) نازل شد.

این روایت بر خلاف نظر جمهور است، زیرا آنان روایت کرده اند این آیه در (غزوه مریسیع) نازل
شده است. هنگامی که پیامبر (ص)، در شب باز می گشتند، گردنبندی که از اسماء خواهر عایشه
بود، از گردن عایشه فرو افتاد. وقتی به منزلی رسیدند، عایشه موضوع را به پیامبر(ص) گفت.
حضرت دو نفر را به دنبال گردنبد فرستاد و منتظر آنان ماند. وقتی صبح شد، آنان آب نداشتند.
ابوبکر با عایشه به تندی برخورد کرد و گفت: پیامبر(ص) و مسلمانان را بدون آب نگه داشتی، این
آیه نازل شد... ۲۷)

* (عسی الله ان يجعل بینکم و بین الذین عادیتم منهم مودة...) ممتحنه / ۷

در سبب نزول این آیه چنین می نویسد:

(مودتی که خداوند بین آنان برقرار کرده است، ازدواج پیامبر (ص) با امّ حبیبه بنت ابی سفیان است
که با این ازدواج، وی امّ المؤمنین و معاویه، خال المؤمنین شدند.

این روایت با ظاهر آیه نمی سازد، زیرا اولاً ازدواج پیامبر (ص) با امّ حبیبه در زمان هجرت به سوی حبشه صورت گرفت و این آیات در سال ششم هجرت نازل شد. ثانیاً این که روایت از ابن عباس باشد، جای سخن است. (۲۸)

نقد اسباب نزول با سیاق آیات

آلوسی در برخی موارد، اسباب نزول را با سیاق آیات نقد کرده است:

* (والشعراء يتبعهم الغاوون...) شعراء / ۲۲۴

(از ابن عباس روایت شده که این آیه در باره شعرای مشرکان نازل شده است... و ابن جریر از ابن عباس نقل کرده است: در زمان پیامبر (ص) دو نفر که یکی از ایشان انصاری بود، همدیگر را هجو کردند. همراه هر یک، افراد فرومایه ای از قومشان در این کار شرکت داشتند، خداوند این آیه را نازل کرد (والشعراء يتبعهم الغاوون).

آلوسی می نویسد:

(در صحت این روایت، جای سخن است. آنچه از سیاق آیه استفاده می شود، این است که این آیه

در ردّ کفار که در باره قرآن چیزهایی می گفتند، نازل شده است.) (۲۹)

* (يا ايها الذين آمنوا اذا تناجيتهم فلا تتناجوا بالاثم والعدوان و معصيت الرسول...) مجادله / ۹

در سبب نزول این آیه می نویسد:

(... آنچه بسیار بعید می نماید این است که در سبب این آیه گفته اند: آیه در باره خوابهای ناگوار و

پریشانی است که برخی مؤمنان می دیدند و آن را برای دیگران نجوا گونه نقل می کردند.

این سبب نزول با آغاز و سیاق آیات مناسب نیست.) (۳۰)

تعدد اسباب نزول در یک آیه

آلوسی چندین اسباب نزول را ذیل یک آیه جایز می داند.

محسن عبدالحمید در این باره می نویسد:

(... آلوسی مانعی نمی بیند که ذیل یک آیه، چند سبب نزول آورده شود. ممکن است در یک

مسأله، چند سبب نزول باشد و قرآن حکم تمام آنها را بیان کرده باشد، چنانکه ذیل این آیه مبارکه

می نویسد:

(ان الذين يشترون بعهد الله و ايمانهم ثمناً قليلاً...) آل عمران / ۷۷

(از ابن مسعود روایت شده که این آیه در باره (اشعث بن قیس) نازل گشته که به دروغ می خواست

زمین دیگری را تملک کند. هنگامی که آماده سوگند برای ادّعای خود شد، آیه فوق فرود آمد. در

این هنگام اشعث ترسید و به حق اعتراف کرد و زمین را به صاحبش باز گرداند....

از عدی بن عمیر نقل شده است: بین (امرؤ القیس) و مردی از حضرموت دشمنی بود. این دعوا به

محضر پیامبر (ص) کشیده شد. به مرد حضرمی گفته شد: شاهد بیاورد و گرنه باید امرؤ القیس،

قسم بخورد.

مرد حضرمی گفت:

ای رسول خدا! اگر امرؤ القیس قسم بخورد، زمین من از دستم می رود!
رسول خدا فرمود: (کسی که به دروغ قسم یاد کند تا حق برادرش را پایمال سازد، خداوند را در حالی ملاقات می کند که به او غضب کرده است.)
امرؤ القیس عرض کرد: ای رسول خدا! کسی که ترک قسم کند، در حالی که می داند بر حق است، پاداش او چه خواهد بود؟ حضرت فرمود: بهشت.
امرؤ القیس گفت: من ترک قسم می کنم.
آن گاه این آیه نازل شد.

ابن جریر از عکرمه نقل کرده است: این آیه در باره ابی رافع، حیّ بن اخطب و کعب بن اشرف فرود آمده است. آنان تورات را تحریف کردند، نشانه هایی را که در تورات در باره پیامبر (ص) وجود داشت از بین بردند و قسم یاد کردند که آن جمله های تحریف شده از ناحیه خداوند است، سپس این آیه نازل شد...)

آلوسی در ادامه چنین می نویسد:

(هیچ مانعی از چندین اسباب نزول ذیل یک آیه وجود ندارد... ۳۱)

آیه ای دیگر:

* (والذین اذا فعلوا فاحشۃ او ظلموا انفسهم... آل عمران / ۱۳۵)

ذیل این آیه مبارکه چند شأن نزول را بیان می کند و در پایان می گوید مانعی ندارد که چند اسباب نزول باشد.

(از ابن مسعود نقل شده: هنگامی که مسلمانان به پیامبر (ص) عرض کردند: بنی اسرائیل نزد خداوند از ما مسلمانان برترند؟ این آیه نازل شد.

در روایت کلبی آمده است: دو مرد از انصار و ثقیف که پیامبر (ص) بین آنان عقد اخوت خوانده بود، از یکدیگر جدا نمی شدند، تا این که پیامبر (ص) عازم غزوه شد. مرد ثقفی، همراه پیامبر (ص) خارج گشت و مرد انصاری را سرپرست خانواده خود قرار داد. روزی مرد انصاری وارد خانه برادر دینی خود شد، همسر او را در حال غسل کردن مشاهده کرد که موهای خود را شانه می زند. نفس بر او غلبه کرد، نزدیک زن شد. زن دستانش را جلوی صورت گرفت. مرد انصاری دست او را کنار زد، ولی ناگهان از کرده خود پشیمان شد و باز گشت. آن زن گفت: سبحان الله امانتت را خیانت و پروردگارت را معصیت می کنی و به حاجتت نمی رسی!

مرد انصاری با ندامت به کوهها رفت و در پیشگاه خداوند از این عمل توبه می کرد، تا این که مرد ثقفی از این ماجرا اطلاع یافت، نزد مرد انصاری آمد، وی را خدمت پیامبر (ص) آورد و این آیه نازل شد...)

از ابن عباس روایت شده: زن زیبا صورتی نزد تیهان تمار آمد تا از او خرما بخرد. تیهان تمار، زن را بغل کرد و بوسید، ولی به سرعت از کار خویش پشیمان شد. او خدمت پیامبر (ص) آمد، واقعه را برای آن حضرت باز گفت، این آیه نازل شد.)

آلوسی در ادامه می نویسد:

(هیچ مانعی وجود ندارد که برای چند سبب، یک آیه نازل شده باشد.) ۳۲

میزان تأثیر گرایش مذهبی آلوسی در نقد اسباب نزول

در باره گرایش مذهبی آلوسی، به تردید سخن گفته اند. گاه وی را دارای اعتقاد سلفی و شافعی مذهب دانسته اند و زمانی او را حنفی مذهب شمرده اند. یکی از محققان در باره وی می نویسد:

(... آلوسی به اختلاف مذاهب دانا بوده و از ملل و نحل آگاهی داشته است. وی عقیده سلفی

ومذهب شافعی را اختیار کرده، ولی در بیشتر مسائل، مقلد امام اعظم، ابی حنیفه بوده است.) ۳۳

همین نویسندگان، هنگامی که نظریات تفسیری آلوسی را نقل می کنند، به این نتیجه می رسد که آلوسی، حنفی مذهب بوده است.

در سوره بقره، ذیل این آیه: (... و متعوهن علی الموسع قدره) (بقره / ۲۳۶) نظریات فقهی را ذیل این آیه چنین بیان می کند.

(... امام مالک گفته است: مراد از محسنون، متطوعون است و به این آیه بر استحباب پرداخت مقداری مال به زن مطلقه استدلال می کند.

نزد ما، پرداخت چنین مالی به مطلقات که در آیه آمده است، واجب و در سایر مطلقات، مستحب است.

و نزد شافعی، بنا بر یکی از دو نظریه او، پرداخت مال به تمام زنان مطلقه در صورتی که جدایی از ناحیه مرد باشد و قبل از دخول، طلاق داده باشد، واجب است.)

محمد حسین ذهبی، در پاورقی از کلمه (عندنا) استفاده می کند که آلوسی، حنفی مذهب بوده است. ۳۴

تعصب مذهبی آلوسی

هر چند محمد حسین ذهبی، آلوسی را فردی غیر متعصب معرفی کرده و گفته است آلوسی نسبت به مذهب خاصی، تعصب نمی ورزد ۳۵، ولی مراجعه به تفسیر آلوسی، آشکار می سازد که وی در باره شیعه نتوانسته است تعصب خود را مخفی دارد. او در نفی دلایل شیعه، به شیوه ای غیر علمی و غیر مستدل، تمسک جسته است:

* (یا ایها الرسول بلغ ما انزل الیک من ربک...) مائده / ۵۵

آلوسی ذیل این آیه مبارکه، حدود هشت صفحه بحث کرده است. وی تلاش دارد داستان غدیر خم را که از روایات بسیار استفاده می شود، به نحوی رد کند و خلافت حضرت علی (ع) را انکار نماید. به قسمتهایی از مطالب ایشان ذیل این آیه اشاره می کنیم:

(... از ابن عباس نقل شده: این روایت در باره علی (ع) نازل شده است. خداوند دستور داد تا پیامبر (ص)، ولایت علی (ع) را به مردم خبر دهد. پیامبر (ص) خوف آن را داشت که مردم در باره وی مطالب ناخوشایند بگویند. خداوند این آیه را به حضرت محمد (ص) وحی فرمود. پس از آن،

پیامبر (ص) در روز غدیر خم، به این مهم اقدام کرد، دست علی را گرفت و فرمود: هر کس که من مولای اویم، علی مولای اوست...

روایت غدیر خم، عمده ترین دلیل شیعیان است و بر آن اضافاتی کرده اند و اغراض باطلشان را اعمال کرده اند و در لابه لای آن، کلمات دروغی را افزوده اند و بر صحابه طعنه زده اند. بر کسی پوشیده نیست که اخبار (غدیر) که در آن امر به استخلاف شده است، نزد اهل سنت صحیح نیست... ۳۶

آلوسی در ادامه این سخن، به بررسی روایت غدیر پرداخته است و می نویسد:

(... در سند روایت، ابواسحاق است. این مرد شیعی است و روایت ایشان پذیرفته نیست.) ۳۷
آلوسی ادعا می کند که اهل سنت بر نپذیرفتن روایات غدیر اتفاق دارند، در حالی که در باره غدیر، روایات متواتر از اهل سنت رسیده است.

علاوه بر این، روایت ابواسحاق را به جرم شیعه بودن مردود می شمارد!
اینها، حاکی از پیشداوری و تعصب است.

* (أَمَا وَلِيكُمْ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا...) مائده / ۵۵

ذیل این آیه مبارکه، روایاتی را نقل می کند که این آیه در باره علی (ع) نازل شده است و در ادامه چنین می نویسد:

(شیعه به وسیله این آیه بر امامت علی (ع) استدلال کرده است.

آنان قائل شده اند که به اتفاق و اجماع علما، این آیه در باره علی (ع) است و کلمه (أَمَا) حصر را می رساند...

ولی اهل سنت به این سخن چند جواب داده اند: جواب اول، جواب نقضی است، به این بیان که اگر شیعه معتقد است این آیه، امامت متقدمان را اثبات می کند، باید گفت: پس آیه، باید امامت متأخران، همچون امامت امام حسن و امام حسین (ع) و باقی امامان دوازده گانه را نفی کند! پس این دلیل، ضررش بیشتر به شیعه می رسد تا اهل سنت... ۳۸

منابع مورد اعتماد آلوسی در تفسیر روح المعانی

تفاسیری که آلوسی از آنها در تفسیر خویش نقل قول کرده، عبارتند از:

۱. تفسیر ابن عطیة، به نام (المحرر الوجیز فی تفسیر الکتاب العزیز)

۲. تفسیر ابی حیان، به نام: (البحر المحیط فی تفسیر القرآن الکریم)

۳. تفسیر زمخشری، به نام: (الکشاف)

۴. تفسیر ابی السعود، به نام: (الدّر المنثور)

۵. تفسیر بیضاوی

۶. تفسیر فخر رازی

۷. تفسیر مجمع البیان.

مصطفی ابراهیم المثینی، در کتاب خود به نام: (مدرسة التفسیر فی الاندلس)، می نویسد:

(از جمله مفسران مشهوری که تحت تأثیر ابن عطیه و ابی حیان قرار گرفته اند، امام آلوسی بغدادی، صاحب تفسیر روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی است. امام آلوسی از تفسیر ابن عطیه استفاده کرده است و اقوال ایشان را زیاد نقل می کند...) ۳۹

محمد حسین ذهبی می نویسد:

(... آلوسی از تفاسیر ابن عطیه، ابی حیان، تفسیر کشاف، تفسیر ابی السعود، تفسیر بیضاوی، و تفسیر فخر رازی استفاده برده است و معمولاً از ابی السعود، به شیخ الاسلام، از بیضاوی، به نام قاضی، و از فخر رازی، به امام، تعبیر می کند....

وی بیشتر، نظریات فخر رازی را دنبال می کند، بویژه در مسائل فقهی، زیرا وی از نظریات فقهی ابوحنیفه حمایت کرده است.) ۴۰

۱. ذهبی، التفسیر و المفسرون، (چاپ دوم: دار احیاء التراث العربی، ۱۳۹۶ هـ / ۱۹۷۶ م)، ۱ / ۳۵۵.
۲. علامه آلوسی، روح المعانی، (چاپ چهارم: بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۵ هـ)، ۱ / ۵ - ۶.
۳. علی حجتی کرمانی، تاریخ و علوم قرآن، (چاپ دوم: تهران، انتشارات الفتح، ۱۳۹۴ هـ) / ۱۵۷.
۴. ذهبی، التفسیر و المفسرون، ۱ / ۳۶۱.
۵. آلوسی، روح المعانی، ۶ / ۱.
۶. همان، ۱ / ۲۰۶.
۷. همان، ۱ / ۲۱۱.
۸. همان، ۸ / ۱۱۰.
۹. همان، ۵ / ۸۸.
۱۰. محسن عبدالحمید، آلوسی مفسراً، (چاپ اول: بغداد، مطبعة المعارف، ۱۹۶۸ م) / ۲۲۴.
۱۱. آلوسی، روح المعانی، ۱ / ۳۰۳.
۱۲. همان، ۲ / ۹۷.
۱۳. همان، ۱ / ۳۹۹.
۱۴. همان، ۱۰ ص ۱۱۸.
۱۵. همان، ۱۰ ص ۱۴۴.
۱۶. همان، ۴ / ۱۷۳.
۱۷. زمخشری، کشاف، (نشرادب الحوزه)، ۱ / ۶۵.
۱۸. آلوسی، روح المعانی، ۱ / ۱۵۶.
۱۹. همان، ۳ / ۲۱۵.
۲۰. همان، ۱ / ۳۵۱.
۲۱. همان، ۱ / ۳۶۱.
۲۲. همان، ۲ / ۲۶.
۲۳. همان، ۲۸ / ۱۳۷.

٢٤. همان، ١٣٤ / ٥.
٢٥. همان، ١٩٣ / ٣.
٢٦. همان، ٩٩ / ٢٠.
٢٧. همان، ٤١ / ٥.
٢٨. همان، ٧٤ / ٢٨ و نیز رک: ١٥ / ٤٤، ١٥٣؛ ١٨١ / ١٨؛ ٥٣ / ٢٢.
٢٩. همان، ١٤٦ / ١٩.
٣٠. همان، ٢٧ / ٢٨.
٣١. همان، ٢٠٤ / ٣.
٣٢. همان، ٦٠ / ٤.
٣٣. ذهبی، التفسیر و المفسرون، ١ / ٣٥٣.
٣٤. همان، ١ / ٣٥٩.
٣٥. همان، ١ / ٣٥٩.
٣٦. آلوسی، روح المعانی، ١٩٤ / ٦.
٣٧. همان، ١٩٤ / ٦.
٣٨. همان، ١٦٧ / ٦ و نیز رک: ١٥ / ٦٢؛ ١٤٣ / ١٦؛ ١٢٥ / ١٨؛ ١٩ / ٦٠؛ ٩٧-٩٦ / ٢٠؛ ٤٤ / ٢١.
٣٩. مصطفى ابراهيم المثيني، مدرسة التفسير في الأندلس، (چاپ اول: بيروت، مؤسسة الرسالة، ١٤٠٦ هـ / ١٩٨٦ م) / ٨٨٣.
٤٠. ذهبی، التفسیر والمفسرون، ١ / ٣٥٦.